تاریخ انقلاب مشروطیت تألیف دکتر مهدی ملک زاده

عزیزی، محمد حسین

محاصره‏ی اقتصادی و نداشتن آذوقه تحت‏ فشار گذارده و به زانو در آورده و به صورت‏ قهرمان فاتح درآمده بود،چنانچه گیلان پا به‏ میدان نمی‏گذاشت و با یورش انقلابی خود یکسره پایتخت را نشانه نمی‏گرفت،اختناق با شدت بیشتری ادامه می‏یافت و طبعا سلطنت‏ استبدادی قاجار با همه‏ی اوصافش مدت‏ها برقرار می‏ماند و تجددخواهی و دموکراسی‏ برای همیشه خاموش می‏شد و چه‏بسا ایران‏ به سرنوشتی چون افغانستان امروزی دچار می‏گردید.

منابع

1-تاریخ هجده ساله‏ی آذربایجان،تألیف احمد کسروی تبریزی.2-تاریخ مشروطه‏ی ایران، تألیف احمد کسروی تبریزی.3-گیلان در جنبش‏ مشروطیت،تألیف ابراهیم فخرائی.4-سردار جنگل،تألیف ابراهیم فخرائی.5-انقلاب ایران، تألیف ادوارد براون،ترجمه‏ی احمدپژوه.6-تاریخ‏ مشروطیت ایران،تألیف دکتر مهدی ملک‏زاده.7- نام‏ها و نامدارهای گیلان،تألیف جهانگیر سرتیپ‏پور.8-ظهور و سقوط سلطنت پهلوی،از انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‏های سیاسی. 9-خاطرات حاج عز الممالک اردلان،تألیف دکتر باقر عاقلی.

پی‏نوشت‏ها

(1)-تاریخ مشروطه‏ی ایران،نوشته‏ی احمد کسروی‏ تبریزی،ج 2،ص 903.

(2)-مجله‏ی رنگین کمان،سال سوم،شماره‏ی 74.

(3)-اعضای کمیته‏ی ستار رشت عبارت بودند از:میرزا کریم خان،سه برادرش،عبد الحسین خان(معز السلطان)، میرزا حسن خان(عبد السلطان)،احمد علی خان،سید یحیی ندامانی(ناصر الاسلام)،میرزا حسین خان‏ کسمائی،علی محمد خان تربت-حاج حسین اسکندری- جواد خان ناصر الملکی-مشهدی مختار اردبیلی،آقا گل‏میخ خروش رحیم شیشه‏بر،میرزا محمد علی مغازه‏ (گیلان در جنبش مشروطیت،ص 113).

(4)-ژوزف شاز همان استالین معروف است که بعدا دبیر کل و رهبر مقتدر اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی‏ شد. دو جنیکیدزه از رهبران نامی انقلاب سوسیالیستی‏ روسیه بعدا کمیسر صنایع اتحاد جماهیر شوروی- فرمانروای کل قفقاز شده و آخرین ماموریتش در افغانستان بوده.ولادی قفقاز سابق به نام او نامگذاری‏ شده است.

(5)-گیلان در جنبش مشروطیت،ص 65.

(6)-نام‏ها و نامدارهای گیلان،تألیف جهانگیر سرتیپ‏پور،ص 166.

(7)-فخرایی،ابراهیم،همان‏جا،ص 121 تا 117.

(8)-فخرائی،همان‏جا،ص 153.

(9)-تاریخ هجده ساله‏ی آذربایجان،احمد کسروی‏ تبریزی،ص 75 به بعد.

تاریخ انقلاب مشروطیت

تألیف دکتر مهدی ملک‏زاده‏ دکتر محمد حسین عزیزی‏ \*درباره‏ی جنبش مشروطیت تاکنون‏ آثار متعددی نگاشته‏اند که یکی از آن‏ها کتاب«تاریخ انقلاب مشروطیت ایران»اثر مرحوم دکتر مهدی ملک‏زاده(1260- 1334 ش)پزشک و استاد مدرسه‏ی طب‏ است.کتاب مزبور نخستین‏بار در زمان‏ حیات نویسنده‏ی آن اثر انتشاریافته و از آن‏ پس چندبار تجدید چاپ شده است.این‏ کتاب 1679 صفحه‏ای دارای نکته‏های‏ مهمی در باب جنبش مشروطیت است. آن‏چه در این نوشتار می‏خوانید افزون بر شرح مختصر زندگی و خدمات دکتر ملک‏زاده و پدرش ملک المتکلمین خطیب‏ مشهور دوران مشروطه که بر سر این آرمان‏ جان باخت،نگاهی است گذرا به کتاب‏ تاریخ انقلاب مشروطیت که به مناسبت‏ یکصدمین سالگرد آن جنبش به خوانندگان‏ محترم ماهنامه‏ی حافظ تقدیم می‏شود.

دکتر مهدی ملک‏زاده(پزشک و استاد درس کالبدشناسی مدرسه‏ی طب)فرزند خطیب مشهور عصر مشروطه،ملک‏ المتکلمین(1326-1277 هـ-.ق)است. «میرزا نصر الله ملک المتکلمین»پس از تحصیلات دینی در سن بیست و دو سالگی‏ به قصد زیارت،عازم مکه شد و در بازگشت‏ از آن سفر راهی هندوستان گردید و در آن‏جا مدت دو سال اقامت نمود.وی در هندوستان‏ کتابی با عنوان«من‏الخلق الی‏الخلق»به‏ منظور بیداری مسلمانان منتشر کرد.پس از انتشار کتاب مزبور،انگلیسی‏ها او را از هندوستان تبعید کردند،از این‏رو،ملک المتکلمین به ایران آمد و به صفوف‏ مشروطه‏خواهان پیوست و با ایراد خطابه‏های خود مردم را آگاه ساخت.

اما ملک المتکلمین سرانجام بر سر آرمان مشروطه جان باخت و هنگامی که‏ محمد علی شاه(دوران حکومت: 1324-1327 هـ-.ق/1906 تا 1909 م)به‏ رویارویی با آزادی‏خواهان مشروطه‏طلب‏ برخاست و به فرمان او حکومت نظامی، اعلام شد و«لیاخوف»،سرهنگ روسی و فرمانده نیروی قزاق در ایران،به فرمان شاه‏ مجلس را به توپ بست،ملک المتکلمین نیز همراه با«جهانگیر خان شیرازی»(ناشر صور اسرافیل)،«سلطان العلمای خراسانی» (مدیر جریده‏ی روح القدس»و«قاضی‏ ارداقی»به دستور محمد علی شاه به وضع‏ دلخراشی در باغ شاه به قتل رسید.

کتاب مشهور تاریخ انقلاب‏ مشروطیت ایران دکتر ملک‏زاده حاوی‏ نکته‏های مهمی از اوضاع سیاسی ایران در جنبش مشروطیت است و در آن،نویسنده‏ خاطرات و شنیده‏های خود را به تحریر در آورده است به علاوه دارای تصاویر و اسناد متعددی نیز است.از مهمترین‏ مباحث«تاریخ مشروطیت ایران»می‏توان از موارد زیر نام برد:

-فلسفه پیدایش مشروطیت(ج 1)

-طلوع مشروطیت و وقایعی که به‏ تحولات بزرگ منجر شد(ج 2)

-کشمکش مشروطه و استبداد(ج 3)

-آغاز استبداد صغیر(ج 4)

-قیام تبریز،ورود قشون روس به ایران (ج 5)

-برقراری مجدد مشروطه و خلع محمد علی شاه(ج 6)

-سیاست انگلیس و مشروطه و تاج‏گذاری احمد شاه(ج 7)

دکتر ملک‏زاده،سبب نگارش کتاب خود را نارسایی و اشتباهات‏ آثار پیشین از جمله تاریخ مشروطیت کسروی و کتاب بیداری‏ ایرانیان به قلم«ناظم الاسلام کرمانی»برشمرده است.وی که در ابتدا،انقلاب مشروطیت را بزرگ‏ترین واقعه‏ی تاریخ ایران دانسته‏ است،چهل و چند سال پس از آن بر این باور بوده است که مشروطیت‏ به اهداف خود دست نیافته است و می‏نویسد:«هنوز کشور ایران چون‏ سایر کشورهای مترقی جهان گام مهمی در راه ترقی و بالا بردن سطح‏ فکر و دانش مردم و بهبودی زندگانی مادی آنان برنداشته و از نعمت‏ ترقی معنوی برخوردار نشده است و کامش از شهد حکومت مردم بر مردم شیرین نگشته است.»دکتر ملک‏زاده می‏کوشد تا در تحلیل خود علل شکست مشروطیت را ارائه کند و ضعف‏های درونی نهضت‏ را علاوه بر نقش بیگانگان بررسی نماید.وی علل ناموفق بودن جنبش‏ مشروطیت را برمی‏شمارد و می‏نویسد:

1-ملت ایران در بدو ظهور مشروطیت به‏حدی از کاروان تمدن‏ جهان عقب بود از اصول نوین بی‏اطلاع بود که شاید در تمام ایران‏ بیش از انگشت شمار از تاریخ تحولات جهان و فلسفه‏ی تکامل و منافع‏ آزادی و حکومت ملی اطلاعی نداشتند.(نقل از کتاب اول،ص 23)

2-هنوز مرکب قانون اساسی خشک‏نشده بود و رژیم مشروطیت‏ برقررا نگشته بود که جنگ و ستیز میان آزادی‏خواهان و مستبدان‏ شروع گشت(نقل از کتاب اول،ص 24)

3-نفوذ سیاسی روس و انگلیس در ایران بزرگ‏ترین مانع ترقیات‏ و هم‏قدم شدن با کاروان تمدن جهان بود...این دو دولت در مدت دو قرن عصاره‏ی این کشور را کشیدند و آن‏چه نیرو داشت تحلیل بردند. (همان،ص 26)

4-یکی از علل و موجبات مهمی که مانع از برقراری حکومت ملی‏ در ایران شد قانون انتخابات کنونی مجلس شورای ملی‏ست.عیب این‏ قانون این است که تقدیرات کشور ایران را به دست کسانی سپرد که‏ انقلاب مشروطیت برای از بین‏بردن آن‏ها ظهور کرد.(همان،ص 27)

5-همان‏طوری که آزادی،روح شهامت و جوانمردی و راستی را در اولاد بشر به وجود می‏آورد،استبداد و وحشت،ملکات فاضله را از بین برده،به جای آن دورویی،چاپلوسی،تملق،ریاکاری،سالوسی، نقاق،خوف از حقیقت‏گویی و دروغ‏پردازی در شخص ایجاد می‏کند. مخصوصا کسانی که به دستگاه پادشاه نزدیک‏تر بودند و بیش‏تر با دولت تماس داشتند به رعایت«هر عیب که سلطان بپسندد هنر است» دارای آن صفات مذمومه بودند...آن‏ها بر این عقیده‏اند که به هر قیمتی هست باید جاه و مقام داشت و در دستگاه زر و زور راه یافت و متمتع شد.(همان،ص 28)

دکتر ملک‏زاده سپس در پایان می‏پرسد:«بنابر آن‏چه در بالا گفته‏ شد،چه‏گونه می‏توان امید داشت که کشوری که زمامدارانش معتقد به‏ مشروطیت نبوده و به اصول آزادی ایمان نداشتند و خوی استبداد و خودسری و پیروی از هوای نفس و بی‏اعتنایی به قانون در نهادآن‏هاست از نعمت حکومت ملی و آزادی برخوردار شود و راه ملل‏ مترقی جهان را پیش گیرد؟(همان،ص 44)

از مزایای دیگر کتاب تاریخ انقلاب مشروطیت اثر دکتر مهدی‏ ملک‏زاده آن است که نویسنده،فصول متعددی را به ذکر رویدادهای‏ نقاط مختلف ایران در جریان جنبش مشروطیت اختصاص داده و صرفا به نگارش وقایع و جریانات پایتخت بسنده نکرده است.برای نمونه در فهرست کتاب،فصل‏های زیر را در چاپ سوم آن می‏توان یافت:

-در شهرستانها چه خبر بود؟(کتاب دوم،فصل 12،ص 455)

-آزادی‏خواهان تبریز در چه کار بودند؟(کتاب 4،ف 3،ص 727)

-قیام آزادی‏خواهان تبریز(کتاب 4،ف 15،ص 844)

-قیام تبریز(کتاب 5،ف 1،ص 933)

-انقلاب رشت(کتاب 5،ف 8،ص 1035)

-ظهور انقلاب رشت(کتاب 5،ف 10،ص 1095)

-انقلاب اصفهان(کتاب 5،ف 12،ص 1085)

-جنایت روس‏ها در رشت و انزلی(کتاب ف 10،ص 1498)

-در غرب چه خبر بود؟( کرمانشاه و همدان/کتاب ف 17،ص 1565)و....

در این‏جا برای آشنایی بیش‏تر با کتاب تاریخ انقلاب‏ مشروطیت ایران به قلم دکتر مهدی ملک‏زاده به ذکر برخی از رویدادها و مطالب مرتبط با شیراز در کتاب مزبور پرداخته،هرچند، فصل مستقلی در باب رخدادهای شیراز در جنبش مشروطه در کتاب‏ یافت نمی‏شود(انتخاب عناوین از نگارنده این سطور است.)

-نطق شاهزاده ابو الحسین میرزا شیخ الرییس در شیراز:به روایت‏ دکتر ملک‏زاده،«شاهزاده ابو الحسن میرزا شیخ الرییس که در آن زمان‏ در شیراز می‏زیست،نطق مفصلی در مفاسد استقراض از روس‏ها ایراد نمود و به همین جهت مورد تهدید و تخفیف حکومت وقت واقع شد و تا مدتی از معاشرت ممنوع بود.»(ص 124،کتاب اول)

-حضور ملک المتکلمین در شیراز:دکتر ملک‏زاده می‏نویسد:«با ورود ملک المتکلمین به شیراز روح تازه در اجساد خمود دمیده شد...و برای استفاده،او را به وعظ در مسجد وکیل دعوت نمودند.در اندک‏ زمانی چنان هیجانی در افکار پدیدار شد و حرف‏های تازه در میان منتشر گشت که«علاء الدوله»والی مستبد فارس نگران گشت و به تهران‏ تلگرافاتی از جریان امر مخابره کرد و دولت را از تأثیراتی که توقف‏ ملک المتکلمین در آن سامان کرده بود،آگاه ساخت و در نتیجه بنا به‏ دستور صدر اعظم،نیمه شبی چهل نفر سوار،آن آزادمرد را تحت‏الحفظ از شیراز بیرون برده و به سرحد اصفهان می‏رسانند».(ص 161،کتاب اول)

-مشروطه‏خواهان شیراز:دکتر ملک‏زاده در این‏باره چنین‏ می‏نویسد:«مشروطه‏خواهان اصفهان،شیراز،رشت،کرمان و بعضی‏ از شهرهای دیگر ایران،با تهران و تبریز هم‏صدا شدند و بازارها را بسته و در تلگراف‏خانه‏ها متحصن شدند».(ص 429،کتاب دوم)

-میرزا جهانگیر خان شیرازی مدیر روزنامه‏ی صوراسرافیل:

دکتر ملک‏زاده درباره‏ی میرزا جهانگیر خان شیرازی(متولد 1292 هجری قمری،شیراز)می‏نویسد:«که وی یکی از ارکان عمده‏ی‏ آزادی‏طلبان به شمار می‏رفت و سپس می‏افزاید:«میرزا جهانگیر خان به آزادگی جان داد و آوازه‏ی شرافت او جهانگیر نشد». (صص 434-438 کتاب دوم)

-شیراز پس از پیروزی مشروطیت:دکتر ملک‏زاده در این‏باره‏ چنین می‏گوید:«بعد از اعلام مشروطیت در تهران،مشروطه‏خواهان‏ شیراز انجمن فارس را تأسیس کردند و به ترویج افکار نوین و طرفداری از مشروطیت پرداختند.قوام الملک و پسرانش که در فارس‏ دیکتاتور و حاکم مطلق بودند به تحریک محمد علی شاه بر ضد مشروطه‏خواهان برخاستند و اتباع خود را به اغتشاش و فتنه‏جویی‏ گماشتند.شهرها و راههای تجارتی دست‏خوش یغماگری دزدان شد، به طوری که امنیت راه‏های تجارتی از میان رفت،و آمد و شد کاروان‏های مقطوع شد و چندین قافله را لخت کردند و عده‏ای مسافر بی‏گناه را کشتند.»(صص 449-450 کتاب دوم،نقل به اختصار)

قتل قوام الملک به دست یکی از مشروطه‏خوهان و پیامد آن: دکتر ملک‏زاده نوشته است:«در روز چهارم صفر یکی از مشروطه‏خواهان به نام«نعمت اللّه بروجردی»،قوام الملک را در میان‏ جمعی از هواخواهان و بستگانش هدف چهار تیر قرار داد و او را از پا در آورد و سپس خود را کشت.پسرهای قوام پس از دفن جسد پدر به‏ انتقام از دشمنان خود برخاستند و عده‏یی را دستگیر کردند و خانه‏هایی‏ را تاراج نمودند.در مجلس سوگوایر که برای قوام الملک مقتول به‏پا کردند«سید احمد دشتی»که یکی از مشروطه‏خواهان بود را «سالار السلطان»پسر قوام،با گلوله کشت و بدن سید را قطعه‏قطعه‏ کردند و آتش زدند».(ص 626 کتاب سوم)

-دستور تبعید پسران قوام الملک توسط دولت

دکتر ملک‏زاده می‏نویسد:«دولت برخلاف میل شاه تقاضای‏ ملک المتکلمین را پذیرفت و دستور تبعید پسرهای قوام را صادر کرد ولی محمد علی شاه مانع از اجرای آن شد.(ص 650 کتاب سوم)

-اردویی که مأمور فارس شد:

دکتر ملک‏زاده روایت کرده است که:«پس از فتح تهران،از طرف‏ سرداران ملی اردویی از مجاهدین انتخاب گشت و مأمور فارس شد». (ص 743،کتاب چهارم)

-تشکیل انجمن ایالتی فارس:

دکتر ملک‏زاده می‏نویسد:«با وجود نیرومندی مستبدین در فارس‏ قدرت فوق‏العاده‏ی خانواده قوام‏[سرانجام‏]مستبدین به زانو در آمدند.[مشروطه‏خواهان‏]پس از کنکاش زیاد و گفت‏وگوی بسیار تصمیم گرفتند که انجمن ایالتی را برطبق مقررات قانون اساسی‏ تشکیل دهند و مردان آزادی‏خواه و مورد اعتماد ملت را به نمایندگی‏ انجمن انتخاب کنند»(ص 1143،کتاب پنجم،نقل به اختصار)

نتیجه

نگارش کتاب تاریخ انقلاب مشروطیت ایران توسط دکتر مهدی ملک‏زاده سبب گردید،که نام او در تاریخ پزشکی ایران به‏ عنوان پزشک و تاریخ‏نگار جنبش مشروطیت ایران برای همیشه ثبت‏ شود و اثر او از مراجع مکتوب جنبش مشروطیت محسوب گردد.

پی‏نوشت‏ها

(1)-صدری افشار،غلام حسین و همکاران،فرهنگ فارسی اعلام،ص 690، فرهنگ معاصر،1383.

(2)-معین،دکتر محمد:فرهنگ فارسی،ج 6(اعلام)، صص 2016-2017،امیر کبیر،چاپ هفتم،1364.

(3)-بیات،دکتر عزیز اللّه:کلیات‏ تاریخ تطبیقی ایران،صص 369-370،امیر کبیر،1377.

(4)-میرزا جهانگیر خان‏ شیرازی(1292-1326 هـ-.ق)روزنامه‏نگار آزادی‏خواه ایرانی از مردم شیراز،ناشر روزنامه صوراسرافیل(منبع 1، 467).

(5)-عاقلی،دکتر باقر:روزشمار تاریخ‏ ایران از مشروطه تا انقلاب،اسلامی ج 1،ص 26،نشر گفتار،چاپ پنجم،1375.

(6)-ر.ک منبع 2،ص 2017.

(7)-تاریخ انقلاب مشروطیت ایران،به قلم دکتر مهدی ملک‏زاده،ج 1-2-3،انتشارات علمی،چاپ سوم،بهار 1371.

(8)-ترکمنی، آذر،کتاب‏شناسی گزیده‏ی توصیفی تاریخ ایران دوره‏ی اسلامی تا پایان‏ دوره‏ی قاجار،صص 28-29،سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی‏ دانشگاه‏ها،1378.

(9)-سید احمد کسروی(1269-1324 ش)،مورخ،زبان‏شناس و روزنامه‏نگار(منبع 1،ص 568).

(10)-محمد ناظم الاسلام کرمانی(1280-1337 ق)، مورخ مشروطه‏خواه(منبع 1،ص 717).

(11)-ملک‏زاده،دکتر مهدی:تاریخ انقلاب‏ مشروطیت ایران،ج 1-2-3،صص 7-8،انتشارات علمی،چاپ سوم،بهار 1371.

(12)-منبع پیشین ص 22.

(13).منبع پیشین صص 23-44.

ایران!ایران!

دکتر قدمعلی سرّامی‏

ای تو آب و خاک و عشق‏ ای تو مرز و بوم دوست داشتن‏ ای تو سرزمین سبزهای سرفراز ای تو کشور گل و گیاه و کاشتن‏ یکه‏تاز عرصه‏ی قرون تویی‏ راه هفت خان نام را رهنمون تویی هفت جوش خون تویی‏ کُرد و لُر گیل و فارس‏ دیلم و بلوچ و آذری‏ هفت گرد روزگار را تو مادری‏ هفت بند نای خاوری‏ دلبری،دلاوری‏ سروناز قصه بهار بی‏خزان تو چشمه‏سار روشنایی روان تو آب،آسمان تو آفتاب،نان تو شرق،میهمان تو غرب،ریزه‏خوار خوان تو هرکجا سری بر آستان تو هرکجا بسی،سرود خوان تو گوش‏ها همه به داستان تو ای تو از تبار آب و تاب! ای تو نور چشم آفتاب‏ ای تو بسته از خمیر خون خضاب! نقش چون نه نقش تو،بر آب‏ چشمه چون نه چشم تو، سراب‏ شادمانه،بی‏درنگ و با شتاب‏ باز با زمین به گرد آفتاب‏ مهربان بتاب‏ آی روز نقاب! قصه،قصه‏ی هزار و یک‏شب‏ تو را هنوز از برند شهرزاد و ماهتاب